



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۲ دی ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۳۹

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الأول: غسل الوجه - کیفیت شستن

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسئله ۵۰۰: «الثُّبَةُ فِي الْأَنْفِ مَوْضِعُ الْحَلَقَةِ أَوْ الْخَزَامَةِ لَا يَجِبُ غَسْلُ بَاطِنِهَا، بَلْ يَكْفِي ظَاهِرُهَا، سَوَاءَ كَانَتْ الْحَلَقَةُ فِيهَا أَوْ لَا»<sup>۱</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، واجب نیست که داخل سوراخی که به منظور قرار دادن حلقه یا خزامه [حلقه دایره‌ای شکل یا نگینی که به بینی وصل می‌کنند] در آن ایجاد شده است، شسته شود، بلکه شستن ظاهرش کفایت می‌کند؛ اعم از اینکه حلقه در آن باشد یا حلقه در آن نباشد.

دلیل حکم مذکور، این است که «انما يجب عليك غسل ما ظهر»؛ آنچه که ظاهر است واجب است شسته شود، بنابراین، شستن باطن بدن لازم نیست و اگر گفته شده است که شستن گوشه‌های چشم و بینی و لب‌ها لازم است از باب مقدمه علمیه است.

الثانی: «غسل اليدين من المرفقين إلى أطراف الأصابع مقدماً لليمنى على اليسرى و يجب الابتداء بالمرفق و الغسل منه إلى الأسفل عرفاً»<sup>۲</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، دومین فعل از افعال وضو، شستن دو دست از دو آرنج تا اطراف انگشتان است؛ در حالی که دست راست بر دست چپ مقدم شده باشد و واجب است که از آرنج شروع شود و از آرنج شسته شود و عرفاً از بالا به پایین باشد، پس وارونه شستن و از پایین به بالا شستن کفایت نمی‌کند.

#### دلیل وجوب شستن دست‌ها

اولاً: اختلافی در رابطه با وجوب شستن دست‌ها [برای وضو] بین مسلمین و شیعه و سنی نیست و این مسأله اجماعی است و عده‌ای ادعا کرده‌اند که شستن دست‌ها از ضروریات دین است، یعنی مسلمان اگر بخواهد وضو بگیرد، دست‌هایش را می‌شوید، لکن چند تا مطلب وجود دارد که ممکن است که محل خلاف و اشکال بشود:

اول، اینکه غسل آرنج‌ها با دست‌ها نیز واجب است. دلیل این مطلب این است که وجوب شستن آرنج‌ها مشهور بین مسلمین است و اصحاب بر آن اجماع دارند و کتاب و سنت نیز بر وجوب شستن آرنج‌ها دلالت دارند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»<sup>۳</sup>.

یک نفر از عامه مخالفت کرده است و به عدم وجوب شستن آرنج‌ها قائل شده است و گفته است که «الی المرفق» که در آیه مذکور، آمده است به معنای تا آرنج است، یعنی خود آرنج در شستن داخل نیست و لازم نیست که آرنج شسته شود.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقى، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. همان.

۳. «المائدة»: ۶.

شیخ طوسی (ره) فرموده است: «غسل المرفقين واجب مع اليدين و به قال جميع الفقهاء الا زفر فإنه قال: لا يجب ذلك. دليلنا: قوله تعالى «وَأَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ»<sup>۱</sup>، فَإِنَّ «إِلَى» قد تكون بمعنى «مع» و تكون بمعنى الغاية و قد ثبت عن الأئمة عليهم السلام ان المراد بها فى الآية «مع» فعلنا بذلك وجوب غسلهما و أيضا الاحتياط يقتضى ذلك لان من غسل المرفقين مع اليدين لا خلاف أن وضوءه صحيح و إذا لم يغسلهما ليس على صحته دليل»<sup>۲</sup>.

به علاوه از اخبار بیانیه که از کیفیت وضوی پیامبر اکرم (ص) حکایت دارند نیز استفاده می شود که پیامبر (ص) در هنگام وضو گرفتن، آرنج ها را نیز می شسته است و این اخبار به صراحت بر این معنی دلالت دارند که آرنج ها نیز باید با دست ها شسته شوند لذا «الی» به معنی «مع» گرفته شده است.

البته آیت الله خویی (ره)<sup>۳</sup> و بعضی از بزرگان دیگر گفته اند که اینکه گفته شد که «الی» به معنای «مع» است به این معنا نیست که «الی» به معنای «مع» استعمال شده است، بلکه به این معناست که غایت در مغیی داخل است؛ به این معنی که از کیفیت وضوی پیامبر (ص) که آن حضرت هنگام شستن دست ها از آرنج شروع می کرده است و آرنج را نیز می شسته است، فهمیده می شود که غایت در مغیی داخل است و «الی» به معنای «مع» است.

**ثانیاً:** آیه ذیل بر وجوب شستن دست ها دلالت دارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»<sup>۴</sup>.

**ثالثاً:** روایاتی نیز وارد شده اند که در این ظهور دارند که شستن دست ها از آرنج ها واجب است که روایات ذیل از آن جمله اند:

**روایت اول:** عَنْ زُرَّارَةَ: قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «أَلَا أَخْبِي لَكُمْ وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟» فَقُلْنَا: بَلَى؛ فَدَعَا بِقَعْبٍ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ مَاءٍ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ حَسَرَ عَنْ ذِرَاعَيْهِ ثُمَّ غَمَسَ فِيهِ كَفَّهُ الْيُمْنَى... ثُمَّ غَمَسَ يَدَهُ الْيُسْرَى فَغَرَفَ بِهَا مِلْأَهَا ثُمَّ وَضَعَهُ عَلَى مِرْفَقِهِ الْيُمْنَى فَأَمَرَ كَفَّهُ عَلَى سَاعِدِهِ حَتَّى جَرَى الْمَاءُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِهِ ثُمَّ غَرَفَ بِيَمِينِهِ مِلْأَهَا فَوَضَعَهُ عَلَى مِرْفَقِهِ الْيُسْرَى...»<sup>۵</sup>.

**روایت دوم:** عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ؛ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وَضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَدَعَا بِطَشْتٍ أَوْ تَوْرٍ فِيهِ مَاءٌ فَغَمَسَ يَدَهُ الْيُمْنَى فَغَرَفَ بِهَا غُرْفَةً فَصَبَّهَا عَلَى وَجْهِهِ فَغَسَلَ بِهَا وَجْهَهُ ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُسْرَى فَغَرَفَ بِهَا غُرْفَةً فَأَفْرَغَ عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُمْنَى فَغَسَلَ بِهَا ذِرَاعَهُ مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْكَفِّ لَا يَرُدُّهَا إِلَى الْمِرْفَقِ ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُمْنَى فَأَفْرَغَ بِهَا عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُسْرَى مِنَ الْمِرْفَقِ وَصَنَعَ بِهَا مِثْلَ مَا صَنَعَ بِالْيُمْنَى...»<sup>۶</sup>.

**دلیل تقدم شستن دست راست بر دست چپ**

روایاتی وارد شده اند که بر مقدم داشتن دست راست بر دست چپ در هنگام شستن، دلالت دارند. روایات ذیل از آن جمله اند:

**روایت اول:** عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ فَيَبْدَأُ بِالشِّمَالِ قَبْلَ الْيَمِينِ؛ قَالَ: «يَغْسِلُ الْيَمِينِ وَيُعِيدُ الْيَسَارَ»<sup>۷</sup>.

۱. همان.

۲. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۷۸.

۳. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۸۹.

۴. «المائدة»: ۶.

۵. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۸۷، ح ۲.

۶. همان، ص ۳۸۸، ح ۳.

۷. همان، باب ۳۵، ص ۴۵۱، ح ۲.

روایت دوم: عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِنْ نَسِيتَ فَعَسَلْتَ ذِرَاعَيْكَ قَبْلَ وَجْهِكَ فَأَعِذْ غَسْلَ وَجْهِكَ ثُمَّ اغْسِلْ ذِرَاعَيْكَ بَعْدَ الْوَجْهِ؛ فَإِنْ بَدَأْتَ بِذِرَاعَيْكَ الْأَيْسَرِ قَبْلَ الْأَيْمَنِ فَأَعِذْ غَسْلَ الْأَيْمَنِ ثُمَّ اغْسِلِ الْيَسَارَ وَإِنْ نَسِيتَ مَسَحَ رَأْسِكَ حَتَّى تَغْسِلَ رِجْلَيْكَ فَاَمْسَحْ رَأْسَكَ ثُمَّ اغْسِلْ رِجْلَيْكَ»<sup>۱</sup>.

روایت سوم: عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا نَسِيَ الرَّجُلُ أَنْ يَغْسِلَ يَمِينَهُ فَعَسَلَ شِمَالَهُ وَ مَسَحَ رَأْسَهُ وَ رِجْلَيْهِ فَذَكَرَ بَعْدَ ذَلِكَ غَسْلَ يَمِينِهِ وَ شِمَالَهُ وَ مَسَحَ رَأْسَهُ وَ رِجْلَيْهِ...»<sup>۲</sup>.

#### دلیل وجوب ابتدا کردن از آرنج

روایاتی در این رابطه وارد شده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ وَ بُكَيْرٍ؛ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وُضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَدَعَا بِطُشْتٍ أَوْ تَوَرَّ فِيهِ مَاءً فَغَمَسَ يَدَهُ الْيُمْنَى فَغَرَفَ بِهَا غُرْفَةً فَصَبَّهَا عَلَى وَجْهِهِ فَغَسَلَ بِهَا وَجْهَهُ ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُسْرَى فَغَرَفَ بِهَا غُرْفَةً فَأَفْرَغَ عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُمْنَى فَغَسَلَ بِهَا ذِرَاعَهُ مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْكَفِّ لَا يَرُدُّهَا إِلَى الْمِرْفَقِ ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُمْنَى فَأَفْرَغَ بِهَا عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُسْرَى مِنَ الْمِرْفَقِ وَ صَنَعَ بِهَا مِثْلَ مَا صَنَعَ بِالْيُمْنَى...<sup>۳</sup>.

روایت دوم: الْعَبَّاسِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ، عَنْ صَفْوَانَ؛ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: "فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ" ... قُلْتُ يَرُدُّ الشَّعْرَ؛ قَالَ: «إِذَا كَانَ عِنْدَهُ آخِرُ فَعْلٍ وَ إِلَّا فَلَا»<sup>۴</sup>.

کتاب وضوء النبی (ص) از آقای شهرستانی تحقیق عالمانه‌ای در رابطه با وضوی پیامبر (ص) انجام داده است که به طور مفصل به کیفیت وضوی پیامبر (ص) اشاره کرده است و مراجعه به اهل تحقیق توصیه می‌شود.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. همان، ص ۴۵۲، ح ۸.

۲. همان، ص ۴۵۳، ح ۹.

۳. همان، ص ۳۸۸، ح ۳.

۴. «المائدة»: ۶.

۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۸، ص ۳۱۲، ح ۲.